

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۰۵ سپتمبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سورة النساء

جزء ۴، ۵، ۶

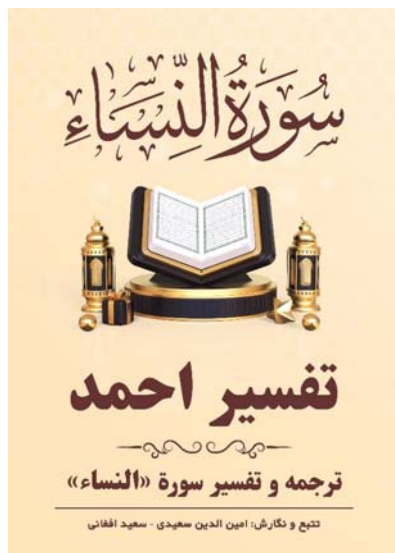
سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

مقدمه:

خداوند متعال (جل جلاله) که خالق سایر کاینات و مخلوقات، انس و جن، سایر حیوانات، و انسانها، اعم و از زنان و مردان می باشد، برای این که شخصیت و الای زنان را در دین مقدس اسلام برای همه معرفی نماید، یک سلسله دستاویز و نقش های مثبت زنان را در قرآن عظیم الشان بیان داشته است. قرآن عظیم الشان در آیات متعدد و مختلف زن را به مقام عالی

انسانی بیان داشته، حقوقی را برای زنان بیان می دارد که از نگاه مادی و معنوی مکان و منزلت وی را برای همه ثابت می سازد، تا مردان و زنان مسلمان حقیقت شخصیت زنان را درک نموده مطابق آن، احکام الهی را مراعات نمایند. و به طرف مادران، زنان، خواهران و دختران خویش به نظر احترام و بزرگواری نظر نموده، زن را مانند یک موجود مقدس و پرارزش دانسته و احترام بگذارد.



علت نامگذاری سوره النساء:

قبل از همه باید گفت که: محتوای کلی سوره النساء را همانا دعوت به ایمان و عدالت، عبرت از امت های پیشین، قطع رابطه دوستانه با دشمنان الله، حمایت از یتیمان، احکام ازدواج و ارث، لزوم اطاعت از رهبر الهی، هجرت، جهاد در راه الله و ... تشکیل می دهد.

از آنجا که سی و پنج آیت اول این سوره مبارکه، پیرامون مسائل وموضوعات خانوادگی است، به سوره نساء (زنان) نام گذاری ومسمی گردیده است.

طوری که گفتیم نام این سوره «النساء» (یعنی زنان) برای این سوره برگزیده شد، دلیل آن است که در آغاز این سوره در باره حقوق زن و سپس درمورد رابطه زن با مرد وبه صورت کل جنبه های مختلف زندگی زن را مورد بحث و تحقیق قرار داده است. امور مربوط به زنان به اندازه ای در این سوره آمده است که در هیچ یک از سوره های قرآن به این اندازه نیامده است پس نام «سوره نساء کبری» بر آن إطلاق شده است، و در مقابل، سوره مبارکه طلاق به «سوره نساء صغری» موسوم گشته است.

از عبدالله بن مسعود (رض) روایت شده است که فرمود: در سوره «نساء» پنج آیت است که اگر تمام دنیا و مافیها را در عوض آنها به من بدهند، مرا بدین اندازه خوشحال وشادمان نمی کند، این پنج آیت عبارتند از: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (النساء: ۴۰). و: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ» (النساء: ۳۱). و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» [النساء: ۴۸]. و آیت: «وَأُولُو أَنْفُسِهِمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» [النساء: ۶۴].

به صورت کل باید گفت که: سوره مبارکه «نساء» متضمن احکام خانواده کوچک؛ یعنی هسته اولیه اجتماع و خانواده بزرگ؛ یعنی جامعه اسلامی و رابطه آن با کل جامعه انسانی می باشد، به همین دلیل است که این سوره در اولین آیت، وحدت اصل و منشأ آفرینش انسان را با بیانی روشن و شگرف تبیین کرده و تقوای الهی را به عنوان مراقب و نگهدار این رابطه عام اجتماعی معرفی می نماید.

معلومات مؤجز درباره سوره نساء:

سوره نساء چهارمین سوره ترتیبی قرآن و دومین سوره طوالت قرآن است که در مدینه منوره نازل شده است که نزولش پس از جنگ احد، در سال سوم هجری شروع شد. البته نزول آن تدریجی و به مناسبت موضوع آیات آن، تا آخر سال هشتم هجری - پس از سوره ممتحنه - ادامه داشت.

تعداد آیات کلمات وحروف سوره نساء:

طوری که در فوق هم یادآور شدیم تعداد آیات سوره نساء به صد و هفتاد و شش می رسد، وتعداد کلمات آن به سه هزار و هفتصد و چهل و پنج کلمه بالغ می گردد، و تعداد حروف آن به شانزده هزار و سی حرف می رسد. (ملاحظه: اقوال در شمارش تعداد کلمات و حروف سوره های قرآن در طریق حساب و نوع قرائت متفاوت اند. تفصیل آن را می توان در سوره فاطر تفسیر احمد مطالعه فرمائید).

ارتباط سوره النساء با سوره آل عمران:

در این سوره وجه شبهه ها و رشته های وابستگی، هر دو سوره را به هم پیوند می دهد که برخی از آنها عبارتند از:

الف: خداوند سوره آل عمران را با امر به تقوا ختم نمود و سوره نساء را هم با امر به تقوا آغاز نمود با این تفاوت که در آنجا فقط مؤمنان را مخاطب قرار داد ولی در این سوره همه مردم را مورد خطاب قرار داده است.

ب: در سوره نسا، آیت «فما لكم في المنافقين فئتين...» (نساء/ ۸۸): (چيست شما را كه درباره منافقان دودسته شده ايد؟) به مناسبت جنگ أحد نازل شده، در سوره آل عمران شصت آیت در این رابطه شرف نزول یافته است.

ج: در سوره نسا، آیت: «و لا تهنوا في ابتغاء القوم...» (نساء: ۱۰۴) (در تعقیب دشمنان، سستی نشان ندهید...) به مناسبت جنگ حمراء الاسد، پس از نزول آیت های: «الذين استجابوا لله و الرسول من بعد ما أصابهم القرح...» (آل عمران آیات: ۱۷۲ الی ۱۷۵) در همین رابطه آمده است.

یادداشت:

غزوه حمراء الاسد از جمله غزواتی است که در منطقه ای حمراء الاسد در نزدیکی مدینه منوره صورت گرفته است. این غزوه به سال سوم هجری (۶۲۵ میلادی) و یک روز پس از غزوه أحد شکل گرفت و بدون درگیری و جنگ به پایان رسید.

سایر خصوصیات سوره نساء:

سوره نساء یکی از هفت سوره طولانی قرآن (سبع طوال) می باشد. أقوال در سبع طوال هم مختلف است به گفته بعضی سوره های (بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و انفال به همراه توبه) را سبع طوال می گویند ولی برخی دیگر مفسران هفتمی را یونس می دانند و معتقدند که انفال و توبه جزو آنها نیست (این قول سعید بن جبیر می باشد). (مراجعه شود: المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۳، ص ۳۷۳).

بحثهای مختلف این سوره عبارتند از:

- ۱- امر به تقوا و پرهیزکاری در نهان و آشکار
- ۲- شرایط خاص «تعدد زوجات»
- ۳- یاد آوری به مردم که: از جنس و حقیقتی مشترک (انسانیت) آفریده شده اند، و نباید زن و مرد نسبت به هم و یا نژادها نسبت به یکدیگر تفاخر کنند.
- ۴- احکام خویشاوندی سببی و نسبی،
- ۵- احکام نکاح، ارث و حقوق زن، حقوق خانواده کوچک و محدود، حقوق جامعه اسلامی و ارتباط آن با جامعه انسانی و این که منشأ و مبدأ انسان، گوهر و اصلی واحد است.
- ۶- احکام پیکار و نبرد
- ۷- استدلال در برابر اهل کتاب
- ۸- بحث در مورد عده ای از دوچهرگان (منافقان)
- ۹- سخن با اهل کتاب در چند جای سوره
- ۱۰- دلیل قوامیت (سرپرستی، نظارت) مرد در خانواده و این که قوامیت استبداد نیست؛ بلکه برای مرد مسؤولیت و رنج و مشقت است و تدابیر منزل را به گردن دارد، تا این جامعه کوچک به آسانی و نیکوئی زندگی خود را ادامه دهد.

- ۱۱- بیان میزان روابط اجتماعی بر اساس خیرخواهی و اندرزگوئی، همکاری، عواطف و پشتیبانی از هم، در مسیر توانبخشی به جامعه و روابط نیکو با دولتها و ملل مختلف و صلح طلبی؛
- ۱۲- این سوره، برنامه اصولی اخلاق و خصلت، خوی، طبیعت، عادت، قواعد داد و ستد میان سایر ممالک و برخی احکام صلح و جنگ را مشخص می نماید.
- هکذا در این سوره به موضوعات ذیل از جمله:
- ۱- دعوت به ایمان و عدالت و قطع رابطه دوستانه با دشمنان سرسخت.
 - ۲- قسمتی از سرگذشت پیشینیان برای آشنائی به سرنوشت جامعه های ناسالم.
 - ۳- حمایت از نیازمندان، مانند یتیمان.
 - ۴- قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه.
 - ۵- قوانین مربوط به ازدواج و برنامه هائی برای حفظ عفت عمومی.
 - ۶- قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی.
 - ۷- معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدارباش به مسلمانان در برابر آنها.
 - ۸- حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبر چنین حکومتی.
 - ۹- اهمیت هجرت و موارد لزوم آن.

فضیلت تلاوت سوره نساء:

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم طبق روایتی فرمود: «هرکس سوره نساء را بخواند، گویا به اندازه هر مسلمانی که طبق مفاد این سوره ارث می برد، در راه الله انفاق کرده است و همچنین پاداش کسی را که برده ای را آزاد کرده به او می دهند».

مبحث قرآن در باره زنان:

قرآن عظیم الشان اولین کتاب آسمانی است که در حدود ۳۵۰ آیت در مورد زنان نازل نموده که به صورت عموم این مباحث در ۶۴ سوره از قرآن عظیم الشان تذکر یافته است. بدین ترتیب گفته می توانیم که: به صورت عموم در ۲۳ سال رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم آیاتی در رابطه مسایل زنان نازل شده است. که البته در برخی از سالها زیاد و در برخی از سالها کمتر.

سوره های قرآنی به نام زنان:

قرآن عظیم الشان برای ارج گذاری به موقف، واثبات این حقیقت که دین مقدس اسلام مقام عالی و با ارزشی برای زنها قایل شده است، در هنگام نامگذاری سوره های قرآنی نیز زنان فراموش نشده، سوره های ذیل را به نام ایشان مسمی نموده است. که عبارت اند از:

- ۱- سوره النساء (زنان): درین سوره کلمه نساء که به معنای زنان است، به صورت خاص بیان شده است.
- ۲- سوره مریم: این سوره که به نام بی بی مریم (علیها السلام) مادر حضرت عیسی علیه السلام) مسمی گردیده است، مریم که يك دختر پاک نهاد بود، و در قرآن عظیم الشان الگوئی برای دختران پاك طینت و عقیفه بیان شده است، این سوره مبارکه برای ارزش بیشتر دختران پاك به نام همان دختر پاك نامگذاری شده است.

۳- سوره مجادله: مجادله همان بحث بی بی خوله (رضی الله عنها) با حضرت محمد (صلي الله عليه وسلم) می باشد، و این سوره بیانگر حقیقت رحمت الهی بالای زنان می باشد که چگونه پروردگار (جل جلاله) خواسته های این خانم را بر آورده ساخت.

۴- اکثریت آیات سوره نور نیز در مورد احکام زنان می باشد.

۵- سوره تحریم: این سوره مبارکه در مورد قصه أمهات المؤمنین (رضی الله عنهن) می باشد.

۶- سوره ممتحنه: در مورد زنان مهاجری که با سایر مسلمانان هجرت نمودند، و در مورد ایمان آنان و امتحان شان درین سوره بحث گردیده این سوره به نام ممتحنه مسمی شده است.

مسائل و موضوعات سوره نساء:

سوره نساء یکی از سوره های بزرگی مدنی است، مملو از احکام شرعی است که به امور داخلی و خارجی مسلمانان انتظام و سامان می دهد. این سوره مانند دیگر سوره های مدنی در زمینه قانونگذاری به مسایل پُر اهمیت می پردازد که به احوال زن و خانه و خانواده و دوست و اجتماع مربوط است. اما عمده احکام وارده در آن پیرامون موضوع زنان است. و به همین سبب به سوره نساء (زنان) موسوم شده است.

این سوره مبارکه: در بردارنده چهار موضوع عمده و اساسی می باشد:

۱- از آیت اول این سوره گرفته تا آیت ۲۵، سپس از آیت ۳۳ گرفته تا آیت ۳۵ و بعد از آن از آیت ۱۲۷ گرفته تا ۱۳۰ و هكذا در آخرین آیت، حقوق زن مورد بررسی تحلیلی و ارزیابی قرار گرفته است.

هكذا در این سوره مباحثی از حقوق یتیمان و سفیهان- نیز از شیوه تقسیم ارث میان مرد و زن، شهادت باطل (به إکراه) در نزد وارث زن، سلب حقوق زن در مهر و حرمت ازدواج با زنان معینی که از آن جمله زوجه پدر است. آنگاه بحث در باب سیطره مرد بر زن در حدود شریعت، و در باب زنان فاضله، و صلح میان زن و شوهر، رعایت عدالت و گرایش به واقعیت در تشکیل خانواده و سرانجام در بعضی موارد ارث است.

۲. موضوع دیگری که در آیات ۲۶ تا ۳۲ از آن بحث می شود مربوط به احترام و ارزش مال و جان آدمی و ضرورت حفاظت از آنها و عواملی است که انسان را و می دارد که به مال و یا جان دیگری دست تجاوز دراز کنند؛ مانند جهل و حسد.

۳. سومین موضوع که در این سوره، در آیات ۳۶- ۴۰ مورد بحث واقع شده، ضرورت احسان در حق ضعیفان، حرمت بخل و انفاق مال از روی ریا است.

۴. اما موضوع اصلی که بیشتر آیات سوره نساء از آن سخن می گوید؛ موضوع حکومت اسلامی در تمام جنبه های آن است، به عنوان مثال: در آیات ۴۱ و ۴۲ سخن از این است که پیامبر بر امت خود شاهد، یعنی حاکم است و عصیان در برابر او حرام است و نیز شهادت را نباید کتمان نمود.

در آیات ۴۴- ۵۷ به طور تفصیل از نقش علم در إقامة حق و مسؤولیت دانشمندان در ادای امانت دانش، از طریق بیان حقایق بدون تغییر و تحریف بحث می کند، نیز جریمه دروغ بستن بر خدا، همچنین بیان صفات نکوهیده این افراد. در این آیات پرده از روی تقلبشان برداشته می شود و نیات فاسدشان را برملا می کند.

در آیات ۵۸- ۷۰ سخن از ارزش هائی است که سیاست اسلامی بر آن متکی است، برجسته ترین آنها ادای امانت (ادای حقوق مردم) و داوری به عدالت است.

آنگاه در همین آیات از فرمان‌برداری پیامبر و اولو الامر و حرمت فرمان‌برداری از طاغوت و صفت کسانی که از طاغوت پیروی می‌کنند سخن گفته شده است. قرآن این گروه را که پیرو طاغوت‌اند منافقان نامیده؛ زیرا منافقان همواره از فرمان‌برداری پیامبر اسلام (ص) در جنگ‌ها سر باز می‌زدند و می‌گریختند. سپس بحث در ارزش دفاع از مستضعفان است.

در سیاست اسلامی آیات ۷۷-۷۹ و نیز آیات ۸۰-۸۷ دو موضوع را در بردارند.

اول: ضرورت انضباط در جنگ و فرمان‌برداری از هر فرمانی که از سوی فرماندهان صادر می‌شود.

دوم: نقش فرمانده و سردار سپاه در تحریض به نبرد و وادار کردن مردم به اطاعت از فرمان‌ها.

در آیات ۸۸-۹۱ سخن متمرکز در موضع و موقعیت منافقان است. قرآن طبیعت اهل نفاق و انواع آنها را معین می‌کند و می‌گوید که چگونه باید در برابر آنها قرار گرفت.

در خلال آیات ۹۵-۱۰۰ بحث از مجاهدان و غیر مجاهدان یعنی کسانی که از جنگ سر بر می‌تابند و نیز سخن از مهاجران است. به عنوان طبقات مشخصی در جامعه اسلامی در مقابل طبقات منافقان که از آنها یاد کرده شد.

قرآن در آیات ۱۰۵-۱۱۱ به بحث در ارزش‌های سیاسی اسلامی باز می‌گردد که چگونه دولت اسلامی دولت قانون بوده و از فساد اداری به دور است. رسول خدا را از جدال با خائنان و فریب خوردگانی که آهنگ گمراه کردن او را- به خیال خود- دارند نهی می‌فرماید.

در آیات ۱۱۷-۱۲۶، قرآن جنبه‌های گوناگون نفاق را مورد بحث قرار می‌دهد. از آن جمله اصل نفاق و نقش شیطان است با آن وعده‌های دلربا و دروغش و افسانه‌های بی‌محتوایش.

قرآن پس از آن‌که در آیات ۱۳۱-۱۳۴ ضرورت تقوا، تعهد، اقامه عدل و شهادت دادن برای خدا را جهت تزکیه نفس از عوامل نفاق، بیان داشت، بار دیگر در آیات ۱۳۶-۱۴۶ باز می‌گردد تا معنای ایمان را به عنوان یک واقعیت بسیط و تجزیه ناپذیر روشن نماید، بدین معنا که کسانی که در ایمان خود اندیشه‌های دیگری را نیز دخالت می‌دهند کافرنند و در زمره منافقانی هستند که خویشتن را می‌فریبند؛ زیرا کافران را به دوستی می‌گیرند و اینان در پایین‌ترین جایگاه در درون آتش جای دارند.

آنگاه تنها راه رهائی این گروه را از آن حالت که بدان گرفتار آمده‌اند نشان می‌دهد که راهی جز توبه و اصلاح نفس خویش در پیش روی ندارند، سپس باید شکر خدای به جای آرند و به ایمان گرایند، و به آشکارا لب به سخن بد و ناهنجار نگشایند و با انجام کارهای پسندیده در طلب خشنودی خداوند باشند.

قرآن این بار با تفصیل بیشتری از بساطت ایمان و حقیقت تجزیه ناپذیر آن سخن به میان می‌آورد و در (آیات ۱۵۰-۱۶۰) بیان می‌دارد که آن کسان که به دلیل عدم اقتناع ایمان نمی‌آورند، مردمی دروغ‌گویند. اینان همانند بنی اسرائیل‌اند آن گاه که از موسی خواستند که خدا را به آشکارا به آنان بنمایاند و سپس با آن‌که نشانه‌های قدرت خداوندی بر ایشان آشکار شد، گوساله پرستیدند و پیمان شکستند و به آیات خدا کافر شدند و مریم را به فحشاء متهم ساختند و مدعی شدند که عیسی را کشته‌اند و بر خود ستم کردند و رباخواری پیشه گرفتند.

قرآن در آیات پایانی این سوره از ضرورت ایمان به خدا و رسولش به شکلی کامل حکایت می‌کند و مردمان را به نوری که بر ایشان نازل شده است فرا می‌خواند.

به طور خلاصه و فشرده، بحث‌های مختلفی که در این سوره مطرح شده‌اند عبارت‌اند:

۱- دعوت به ایمان، عدالت و قطع رابطه دوستانه با دشمنان سرسخت

۲- قسمتی از سرگذشت پیشینیان برای آشنائی هر چه بیشتر به سرنوشت جامعه‌های ناسالم

۳ - حمایت از کسانی که نیازمند به کمک هستند؛ مانند یتیمان، و دستورهای لازم برای نگهداری و مراقبت از حقوق آنها

۴ - قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه در برابر شکل بسیار زنده‌ای که در آن زمان داشت و به بهانه‌های مختلفی افراد ضعیف را محروم می‌ساختند.

۵- قوانین مربوط به ازدواج و برنامه‌هایی برای حفظ عفت عمومی

۶- قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی

۷- کنترل و نگهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی محیط خانواده

۸- حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه در برابر یک دیگر

۹- معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدار باش به مسلمانان در برابر آنها.

۱۰- حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبر چنین حکومتی

۱۱- تشویق مسلمانان به مبارزه با دشمنان شناخته شده

۱۲- معرفی دشمنانی که احياناً فعالیت‌های زیر زمینی داشتند

۱۳- اهمیت هجرت و لزوم آن به هنگام روبه رو شدن با یک جامعه فاسد و غیر قابل نفوذ

۱۴- مجدداً بحث‌هایی در باره ارث و لزوم تقسیم ثروت‌های متراکم شده در میان وارثان.

- همچنین در این سوره به خطر و حیلۀ اهل کتاب، مخصوصاً یهود، و موضع گیری آنان در مقابل پیامبران بزرگوار اشاره به عمل آمده است.

در آخر این سوره مبارک با بیان گمراهی های نصاری در مورد حضرت مسیح، عیسی بن مریم، خاتمه می یابد که آنها درباره حضرت عیسی غلو و افراط نشان می دادند و حتی او را پرستش کرده، آنگاه او را به صلیب کشیدند. در حالی که به الله بودنش معتقد بودند، و فکر و اندیشه سه گانگی را اختراع کردند و مانند مشرکان بت پرست درآمدند. در صورتی که آیات قرآن آنان را به رجوع و برگشتن از آن گمراهی ها فرا می خواند که به عقیده و باور با گذشت و بلندنظر و شفاف‌سان، یعنی عقیده توحید و یکتاپرستی برگردند. خدای متعال گفته است: «وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا).

ادامه دارد